

نکته‌ها (۱۰)

○ رضا مختاری

نکته ۴۳: از مرحوم آیه الله سید مصطفی صفایی خوانساری (متوفای ۴۱۳) و مدفون در حرم مطهر حضرت معصومه (س) - همان جا که سالهای متمادی صبحها اقامه جماعت می کرد - اثری چاپ شده در دست نیست. ایشان از شاگردان معروف مؤسس حوزه قم، آیه الله حائری (ره) (م ۱۳۵۵ق) و از نزدیکان آیه الله حاج آقا حسین بروجردی (ره) (م ۱۳۸۰) بود و از این دو بزرگوار داستانها و خاطرات زیادی به خاطر داشت. اخیراً به نکته ای چاپ شده از ایشان دست یافتم که بیش از هفتاد سال پیش چاپ شده و از چند جهت حائز اهمیت است؛ از جمله این که نظر شریف مرحوم آیه الله حائری و نیز علامه سید محسن امین صاحب کتاب اعیان الشیعه (م ۱۳۷۱ ق) را راجع به یکی از مسائل مهم عصر ما منعکس می کند و برای شناخت تفکر و اندیشه آن دو مرد بزرگ، بسیار مفید است. گفتنی است که علامه سید محسن امین عاملی در سال ۱۳۵۳ قمری طی سفری به ایران، در قم نزد آیه الله حائری آمده و فزونی و وفور عقل و کیاست و فضل او را ستوده است. وی در گزارش این سفر می گوید:

نزولنا في داره سنة ١٣٥٣ في قم، وانا بنا عنه في صلاة الجماعة في الصحن الشريف مدة مُقامنا بقم، و كان في مدرسته في قم نحو ٩٠٠ طالب يجري على أكثرهم الأرزاق، و قد انحصرت الرئاسة العلمية فيه في وقته في بلاد ايران، و قُلِّدَ فيها، و كانت الاموال تُجبي إليه من اقصائها فيضُها عند بعض التجار، و يصرُفها على الطلبة بواسطة ذلك التاجر، و ياخذ لنفسه معاشاً معيناً منها، و هذا دليل على وفور عقله. عاشرناه مدة مُقامنا عنده فوجدناه رجلاً قد ملئ عقلًا و كياسةً و علمًا و فضلًا، و من وفور عقله ما مرّ ذكره. و كان إذا سئل عن مسألة أو جرى البحث بحضرة في مسألة لا يتكلم حتى يفكر و يتأمل.^١

پس از وفات مرحوم آية الله صفایی، به دستور رهبر معظم انقلاب کتابخانه ایشان خریداری و حدود یکهزار و پانصد نسخه خطی آن به کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابهای چاپی آن به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اهدا شد. مرحوم آية الله صفایی در همان زمان سفر علامه سيد محسن امين (ره) به قم، گزارش کوتاهی از یکی از جلسات ملاقات ایشان با آية الله حائری (ره) را با عنوان «اختلافات دینی» نوشته و همان زمان در مجله همایون (شماره ۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ ش و سؤال ۱۳۵۳ قمری) منتشر شده که متن آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اختلافات دینی

قوائد دین داری و مزایای مخصوص دین اسلام را خوانندگان محترم می دانند بنابراین خود را محتاج نمی دانیم که در این قسمت توضیحی بدهیم. آنچه عیان است چه حاجت به بیان است.»

در این جا می خواهم چیزی را تذکر دهم که بسیاری از مردم آن را نمی دانند و یا اگر بدانند به آن توجهی ندارند و آن زیانهای بی شماری است که در نتیجه اختلافات

۱. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۴۲، سرگذشت آية الله حائری (قده).

مسلمین پیدا شده و ما به آن اعتنا نداریم .

فِرَقِ مسلمین از خاصه و عامه و شیعه و اهل تسنن و طوائف دیگر باید این اختلاف را کنار گذارند و دشمنان بزرگ خود را که مادیین و نصاری و دیگران هستند جواب گویند و مزایای دین اسلام را به اهل عالم برسانند . فِرَقِ مسلمین باید همچون اعضای یک بدن برای یک مقصود که ترویج اسلام است بکوشند . دست و پا و دیگر اعضای بدن گرچه از یکدیگر جدا و متفرقند ولی همه برای یک مقصود که نگهداری بدن است کوشش می کنند .

ما باید دین داری را از مسلمانان صدر اسلام بیاموزیم که از اختلافات خود چشم پوشیدند و در پیشرفت یک مقصود کوشیدند . آری در نتیجه اتحاد و یگانگی آنها بود که اسلام با آن همه سرعت در همه جای عالم منتشر شد .

اگر پس از رحلت پیغمبر مسلمین آن اتحاد را نداشتند و در تحت کلمه واحد توحید و شهادت به رسالت جمع نمی شدند آیا ممکن بود آن پیشرفت ها برای اسلام پیدا شود؟ آیا آن همه زحمات پیغمبر اسلام به هدر نمی رفت؟ آری «به اجتماع جهان را توان گرفت» .^۲

در امروز هم اگر مسلمین همان اتحاد را داشته باشند و به وسیله قلم و زبان مزایای اسلام را به اهل عالم برسانند نتیجه اش کمتر نخواهد بود؛ زیرا مردم امروز زبان های بی دینی را به خوبی دیده و سنجیده اند، هرگاه دینی مانند اسلام ببینند به زودی بپذیرند . گذشته از اینکه اختلافات کنونی مورد ندارد؛ زیرا امروز کسی که داعی خلافت داشته باشد در میان نیست تا این که به این واسطه اختلافاتی باشد و در اصل دین که توحید و نبوت و معاد است اختلاف نیست . فقط اختلاف در مسئله امامت و خلافت بلافصل است که از اصول مذهب است .

اما اختلافات در فروع دین این اندازه اختلاف در میان هر قومی هست و نباید برای

۲ . اصل مصراع حافظ چنین است : «آری به اتفاق ، جهان می توان گرفت» .

این با یکدیگر دشمنی کنند چنان که عامه در فروع فقهیه پیروی یکی از فقهاء و ائمه اربعه خود را می کنند شیعه هم متابعت ائمه اثنا عشر و فقها خود را می نماید و این اختلاف در فروع هم به جایی مضر نیست . فقط همان مسئله خلافت است که آن هم چون امروز موضوع ندارد و باید کنار گذارند تا این که از اصل مقصود باز نمانند و گرنه دیگران که منتظر بازار آشفته اند با بودن این اختلافات به مقصود خواهند رسید . داستان سید و شیخ و بازاری در باغ معروف است که به واسطه اختلاف هر سه مغلوب شدند بلکه آنچه از مراجعه به تاریخ به دست می آید بیشتر غلبه هایی که در عالم شده است به واسطه اختلاف مغلوبین بوده .

محصل این مقاله در محضر زعیم اکبر استادنا العلامة حضرت آية الله حاجی شیخ عبدالکریم (دام ظلّه العالی) مذاکره شد و حضرت ایشان هم همین معنی را فرمودند که صلاح مسلمین در امروز دنیا به این است که این منازعات در میان آنها نباشد . و حضرت حجة الاسلام آقای سید محسن امین شامی هم در آن محضر تشریف داشتند و تصدیق فرمودند که صلاح مسلمین در همین است .

قم - سید مصطفی صفایی خوانساری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نکته ۴۴: چنان که در مقدمه جلد اول رؤیت هلال (صفحه نود و پنج تا یکصد و یازده) به صورت مشروح یاد کرده ام، در لسان ادله و روایات، «رؤیت هلال» نشانه اول ماه، «رؤیت بیوت مکه» نشانه وجوب قطع تلبیه برای متمتع و «تواری بیوت شهر = استتار و عدم رؤیت آنها» نشانه حدّ ترخص دانسته شده است و همانطور که در مورد دوم و سوم احدی از فقیهان، رؤیت را اعم از رؤیت با ابزار و رؤیت با چشم غیر مسلح ندانسته و آن را از این جهت مطلق نمی داند، در رؤیت هلال نیز - همان طور که در شماره پیشین همین مجله به تفصیل بیان کردم - رؤیت مطلق مراد نیست . اینک اضافه می کنم که علاوه بر سه مورد فوق، رؤیت «خسوف» و «کسوف» هم همین سرنوشت را دارد، یعنی در

پاره ای از روایات «رؤیت خسوف و کسوف» موضوع وجوب نماز آیات دانسته شده است^٣، از جمله:

- إن الله إذا أراد تخويف عباده و تجديد الزجر لخلق كسَف الشمس و خَسَف القمر،

فإذا رأيتم ذلك فافزعوا إلى الله تعالى بالصلاة.^٤

- إن الزلازل و الكسوفين و الرياح الهائلة من علامات الساعة، فإذا رأيتم شيئاً من ذلك

فتذكروا قيام الساعة، و افزعوا إلى مساجدكم.^٥

عده ای از فقها فتوا داده اند که اگر خسوف و کسوف با چشم عادی و غیر مسلح قابل تشخیص نبود، ولی با ابزار و تلسکوپ قابل رؤیت بود نماز آیات واجب نیست، از جمله آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (ره) در وسیله النجاة فرموده اند:

الظاهر أن المدار في كسوف النيرين صدق اسمه و إن لم يستند إلى سببيه المتعارفين،

من حيلولة الارض و القمر، فيكفي انكشافهما ببعض الكواكب الأخر أو بسبب آخر.

نعم لو كان قليلاً جداً بحيث لا يظهر للحواس المتعارفة و إن أدركته بعض الحواس

الخارفة، أو بواسطة بعض الآلات المصنوعة، فالظاهر عدم الاعتبار به و إن كان مستنداً

إلى أحد سببيه المتعارفين.^٦

بر جمله اخير سخن ایشان - یعنی «... بواسطه بعض الآلات المصنوعة، فالظاهر عدم

الاعتبار به و إن كان مستنداً إلى أحد سببيه المتعارفين» - که شاهد مقصود ماست، حضرت

امام خمینی و آیه الله گلپایگانی (ره) حاشیه نزده و آن را پذیرفته اند. بنده فتوای دیگران را

در این زمینه نیافتم، زیرا این فرع در عروه، منهاج الصالحین، الفتاوی الواضحه و رسائل

عملیه فارسی مطرح نشده است؛ بنابراین سزاوار است این مسأله - یعنی رؤیت خسوفین با

٣. در برخی از روایات نیز خود «خسوف و کسوف» موضوع حکم است نه رؤیت آن.

٤. وسائل الشیعه، ج ٧، ص ٤٨٤، باب ١ از ابواب صلاة الكسوف والآیات، ح ٥.

٥. وسائل الشیعه، ج ٧، ص ٤٨٧، باب ٢ از ابواب صلاة الكسوف والآیات، ح ٤.

٦. وسیله النجاة، ص ١٧٣، مساله ٢، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

چشم مسلح - نیز از فقهای معاصر استفتا و در کنار بحث رؤیت هلال با چشم مسلح، از آن نیز بحث شود.

مرحوم آیه‌الله خویی (ره) هم در این زمینه فرموده اند:

... و أما في الكسوف فلا مانع من فرض كوكب آخر غير القمر يحول بين الأرض و الشمس كالزهرة و عطارد، حيث إنهما واقعتان بينهما، فيمكن ان تحجبا نورها و يتشكّل من ذلك كسوف يراه بعض سكنة الارض من يقع في نقطة تقابل مركز الزهرة - مثلاً- المقابلة لنقطة مركز الشمس إلا أن مثل ذلك لا يستوجب الصلاة؛ لعدم ظهوره إلا للواحد من اصحاب المراصد الفلكية ولا تعرفه عامّة الناس؛ لمكان صغر الكواكب الناشيء من بعده المفرط. و من الواضح أن موضوع الحكم إنّما هو الكسوف المرئيّ لعمامة الناس بحيث تشاهده آحادهم العاديون. نعم لو تحقّق ذلك و لو من طريق الاعجاز بحيث صدق عندهم الكسوف وجبت الصلاة كما عرفته في الخسوف.^٧

به هر حال، همان طور که ملاک در رؤیت هلال، رؤیت با چشم عادی است در خسوف و کسوف هم، رؤیت و تشخیص آنها با چشم عادی ملاک است و اگر فقط با تلسکوپ قابل تشخیص باشند - نه با چشم عادی - نماز آیات واجب نیست؛ شاید به این دلیل که معقول نیست شارع مقدس چیزی - یعنی خسوف و کسوف قابل رؤیت با ابزار - را موضوع حکم قرار دهد که تا قرنهای اخیر برای مخاطبان خود و مکلفین، قابل تشخیص نباشد.

نکته ٤٥: در برخی از کتب فقهی از جمله عروة الوثقی، و وسیلة النجاة در بحث نماز آیات، از فرض «انکساف احد الثیرین ببعض الكواكب» بحث شده است؛ مثلاً:

- ولا عبرة ... بانكساف احد الثیرین ببعض الكواكب الذي لا يظهر إلا للواحد من

الناس.^٨

٧. مستند العروة، ج ٥، ص ١٥-١٦، کتاب الصلاة.

٨. العروة الوثقی، ج ٣، ص ٤٤، فصل فی صلاة الآیات، الرابع.

- یکنفی انکشافهما ببعض الكواكب الأخر أو بسبب آخر ... ۹.

ولی همان طور که برخی فقیهان از جمله آیه الله خویی (ره) فرموده اند در خصوص خسوف (ماه گرفتگی) این فرض، واقعیت و مصداق ندارد؛ زیرا هیچ سیاره ای از ماه به زمین نزدیکتر نیست تا حائل شدن آن بین ماه و زمین سبب خسوف آن شود، و خسوف منحصر به حیلوله و فاصله شدن زمین بین خورشید و ماه است،^{۱۱} نه حائل شدن سیاره ای دیگر.

نکته ۴۶: اشکالی که در نکته ۲۷ (فقه اهل بیت (ع)؛ شماره ۳۷، ص ۱۵۲ - ۱۵۴) بر عبارت بسیاری از مناسک وارد کردیم، در همان مسأله بر عبارت عروه وارد نیست و سخن عروه در این زمینه دقیق و شاهدهی بر ورود اشکال پیشین است:

- لو حج من مال الغير غصباً صح و اجزاه، نعم إذا كان ثوب إحرامه و طوافه و سعيه

من المغضوب لم يصح ... ۱۱

- لا يجوز الحج بالمال الحرام، لكن لا يبطل الحج إذا كان لباس إحرامه و طوافه و ثمن

هدیه من حلال. ۱۲

توضیح این که در عبارت فوق، مباح بودن «لباس احرام» و «لباس طواف» (نه فقط لباس احرام) در صحت حج شرط دانسته شده و با این تعبیر اشکالی که بر عبارت بسیاری از مناسک وارد است بر آن وارد نمی شود، علاوه بر آن شاهدهی بر ورود اشکال بر عبارت مناسک است.

۹. وسیلة النجاة، ص ۱۷۳، مسأله ۲.

۱۰. مستند العروة الوثقی، ج ۵، ص ۱۵، کتاب الصلاة؛ التعلیقة الاستدلالية علی تحریر الوسیلة،

ص ۱۴۶ (از آیه الله ابوطالب تجلیل).

۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۱۵، مسأله ۶۰، چاپ دفتر انتشارات اسلامی.

۱۲. همان، ص ۵۹۶، مسأله ۱۰، چاپ دفتر انتشارات اسلامی.